

انتخاب و رای مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است



عبدال گلپریان

گزینه بد بجای بدتر دیگر بسر آمده است. مردم مبارز و آزادیخواه شهرهای کردستان هیچگاه به این حکومت و هیچ يك از مهره هایش که کارنامه ای جز قتل و کشتار زیر بغل ندارند آری نگفتند و در مقابلش ایستادند. مردم سراسر کشور دیگر بیش از این تحمیل نزدیک به چهار دهه تباهی و فلاکت را نمی پذیرند و به صفحه ۳

جمهوری اسلامی شش کاندید آدمکش را در مقابل مردم قرار داده است و با تمام توان تلاش میکند آن مهره ای که دستاش بیشتر از بقیه خون آلود تر است را درون ویترین چهار ساله بعدی این نظام قرار دهد. جمهوری اسلامی با حاکم کردن قوانین نزدیک به چهار دهه از جنس داعش بر کرده مردم تا به امروز که بجز فقر، فلاکت، زندان، کشتار، تن فروشی، اعتیاد، کودکان خیابانی، حقوقهای معوقه دو ساله، بیکاری گسترده، به تعطیل کشاندن مراکز کار، ایجاد فضای امنیتی علیه فعالین کارگری و تشکلهایشان، تخریب محیط زیست و در يك کلام محروم نمودن جامعه ای هشاد میلیونی از ابتدایی ترین حقوق خود چیز دیگری به ارمغان نیاورده است، میکوشد تا با اجرای دور دیگری از این مضحکه همچنان برای چهار سال دیگر این تباهی را تمديد و آنرا افزایش دهد. شش کاندید جنایتکار که در مناظره مضحکه انتخاباتیشان هر يك دیگری را مسئول کلاشی، دزدی، اعدام و تباهی جامعه معرفی میکند، تنها و تنها بخاطر حفظ نظام در لجن فرو رفته اسلامی شان است. این گاز گرفتنها را مردم بهشان تحمیل کرده اند. مردم طی حاکمیت این رژیم اشکال عقب زدن کل نظام اسلامی را تجربه کرده اند. آرزوهای اصلاح طلبانه و وعده هایشان مبنی بر

رجوع به تاریخ گذشته برای توجیه همزیستی و همگرایی با ناسیونالیسم کرد بی فایده است! پاسخی به هلمت احمدیان



محمد آسنگران

اسلامی به اسم خبات و بقیه جریانات ناسیونالیست و قومپرست کردستان ایران بیانیه مشترک امضا میکند و به سخنگوی همه آنها تبدیل میشود. این رویکرد نه تنها ربطی به سیاست کمونیستی ندارد بلکه با کل تاریخ خود کومه له هم خوانایی ندارد. چنین اقدامی برای جریانات چپ ایرانی خط قرمز بوده است. کومه له خیلی تلاش میکند برای توجیه سیاست امروز سازمان خبات را حزب سیاسی و با شیخ عزالدین حسینی یکی قلمداد کند. خارج از ارزیابی ما که از مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران روشن بوده و شیخ عزالدین را يك شخصیت اسلامی و ناسیونالیست دانسته ایم، ترکیب کومه له امروز هم تا سال ۹۰ میلادی در این مورد با ما اختلافی نداشت یا لاقل آنرا به زبان نیاورد. با این حال یکی دانستن خبات و شیخ عزالدین حسینی يك تحریف آشکار و بی انصافی نسبت به خود شیخ عزالدین محسوب میشود. زیرا در تمام دوره حیات شیخ عزالدین او با سازمان خبات تداومی نشد و اجازه نداد کسی او را با این سازمان اسلامی و نوکر صفت تداومی کند. علاوه بر این در آن دوره مورد اشاره هلمت احمدیان کومه له از کاندیداتوری مسعود رجوی هم دفاع کرد آیا هلمت از آن سیاست هم دفاع میکند؟ ثانیاً این بیانیه اخیر حتی ربطی به مسئله ملی و ستم ملی در کردستان ندارد. ثالثاً این جریانات ناسیونال اسلامی در دل بحران و رقابتهای منطقه ای آشکارا خود را صفحه ۲

هلمت احمدیان برای توجیه سیاست امروز حزب که همزیستی دوستانه با جریانات ناسیونالیستی و اسلامی کرد را به همگرایی با ناسیونالیستها "ارتقا" داده است، نمونه هایی از اتفاقات تاریخ کردستان و تحولات داخل حزب کمونیست ایران را به یاری طلبیده است. بازخوانی هلمت از آن اتفاقات بعضاً غیر واقعی و کلا بدور از يك ارزیابی مارکسیستی است. برای هر ناظر منصف و تیزبینی روشن است که منظور او از بازخوانی این نمونه ها توجیه رویکرد اخیر و همگرایی امروز اهداف سیاسی حزب با جریانات ناسیونالیست و اسلامی در کردستان است. کومه له امضا کننده و سخنگوی کمی شده است که تحت عنوان بیانیه مشترک شش جریان سیاسی کردستان برای تحریم انتخابات جمهوری اسلامی منتشر شده است. يك واقعیت سیاسی غیر قابل انکار این است که نطفه همگرایی این طفل شیرین شش جریان کردستان در خانه بارزانی شکل گرفته است. این شش جریان عبارتند از کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، سازمان خبات، دو سازمان زحمتکش و دو حزب دمکرات کردستان ایران. اولاً در تاریخ کومه له این اولین بار است که این سازمان با جریانی

«کودار» در صف ثبت نام مضحکه انتخابات!

نسان نودینیان صفحه ۳

روحانی با انتقاد از 'اعدام و تفکیک جنسیتی' به رقبای خود تاخت!!!!

رحیم یزدانپرست صفحه ۳

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان صفحه ۴

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی صفحه ۵

ضروت این ائتلاف و همکاری از کجا مایه میگردد؟

عبدال گلپریان صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ رجوع به تاریخ گذشته ...

در کمپ بارزانی اردوغان و دولت عربستان و قطر میدانند. محکوم کردن پ.ک.ک. و دفاع از سیاست بارزانی و اردوغان برای تقابل با پ.ک.ک. از جانب حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان نمونه غیر قابل انکار و آشکاری از احزاب سیاسی همپیمان کومه له میباشد. آنها رسماً گفته اند نباید نیروهای ارتش اردوغان مستقر در کردستان عراق مورد حمله پ.ک.ک. قرار گیرد. این سیاست پرو اردوغان و پرو بارزانی همپیمانان کومه له است. باید دید کومه له چه سیاستی در این رابطه اتخاذ خواهد کرد. محکوم کردن و نقد این سیاست، دفاع از آن و یا سکوت با دیپلماسی همیشگی؟

اما رجعت به تاریخ و بازخوانی دلخواهی آن کمکی به توجیه سیاست امروز کومه له نمیکند. زیرا امروز در خاورمیانه همه دولتها و جریانهای سیاسی مسلح کوچک و بزرگ در میان دو قطب عربستان و جمهوری اسلامی تقسیم شده اند. کومه له هم در یکی دو ماه اخیر گرایش خود را به سمت یکی از این قطبها نشان داده است. اگر این رویکرد آگاهانه بوده باشد طبیعتاً برگشتن او مشکل خواهد بود. اگر ناآگاهانه به این میدان پا گذاشته باشد باید امیدوار بود که با نقد سیاسی روشن تکلیف خودش را معلوم کند.

رجوع به تاریخ برای تحکیم و توجیه کدام افق؟

توجهات هلمت احمدیان که فراتر از موضوع مورد بحث است، نه تنها با هدف توجیه سیاست اخیر کومه له، بلکه قرار است جای خالی سکوت ۲۰ سال قبل را هم پر کند. بررسی چند مورد از آنها را اینجا لازم میدانم.

هلمت احمدیان: "در دوران انشعاب 'کمونیسم کارگری' از حزب کمونیست ایران، شعار 'کشف گرایش ناسیونالیستی' در کومه له و چپ و راست کردن تشکیلات در عرض ۲۴ ساعت، گوش عالم را کر کرد و از آن به بعد هم، این ادبیات به متدی برای روبرو شدن با کومه له در میان بعضی از اعضا و هواداران این جریان تبدیل شد. و اکنون هم ما جستجو و گریخته و تحت تاثیر یک فضا سازی کاذب،

در فضای مجازی، این نگرش را در میان برخی از نیروها و افراد چپ میبینیم.

۱- برای هر کسی که اسناد مکتوب آن دوره مورد اشاره هلمت را خوانده باشد روشن است آن نقدها "عرض ۲۴ ساعت" نبود زیرا حد اقل چند سال در درون کومه له آن مباحث جاری بود و از کنگره دوم حزب کمونیست ایران و کنگره پنجم کومه له رسماً نقد ما به چپ غیر کارگری و زبان الکن آن چپ نسبت به ناسیونالیسم بطور کلی و نقد ناسیونالیسم کرد آغاز شده بود. سند کنگره پنجم کومه له که تلاش میکند بگوید ناسیونالیسم هست اما در درون کومه له نیست بسیار گویا است. زیرا موضع بینابینی همان چپ است که نمیخواهد بپذیرد چپ در کومه له یک گرایش بازدارنده و نامشروع است.

۲- آن نقدها برخلاف ادعای هلمت "روبروشن با کومه له" نبود بلکه دفاع از کومه له کمونیست و مقابله و روبرو شدن با ناسیونالیسم کرد درون و بیرون کومه له بود. اگر هلمت آن نقدها را روبرو شدن با کومه له میدانند جایگاه سیاسی امروز خود و کومه له را نشان میدهد. برای صحت و سقم این ادعا کافی است به کتاب اسناد جنگ خلیج مراجعه کنید.

۳. اشاره او به "نیروها و افراد چپ" کسانی است که تا دیروز خود را نزدیک و یا در کنار کومه له میدانستند اما امروز به رویکرد اخیر رهبری این سازمان نقد دارند. در نقد سیاسی صراحت و احترام به طرف مقابل شرط اول هر بحث صمیمانه ای است.

۴- در مورد "کشف گرایش ناسیونالیستی"، هلمت میخواهد به کمک این سه کلمه ادعا کند در کومه له چنین گرایشی نبوده و کمونیست کارگریها بهانه گیری کردند! برای پاسخ به این ادعای بی پایه لازم نیست من حتی به اسناد آن دوره استناد کنم. برای هر انسان منصفی کافی است به تحولات کومه له بعد از جدایی ما نگاه کند. چند سال بعد از جدا شدن ما سازمان زحمتکشان از کومه له جدا شد. خود رهبری کومه له علت جدا شدن آنها را ناسیونالیست بودن سیاست آن

سازمان دانسته است. چند سال قبل افراد "روند سوسیالیستی" از کومه له اخراج شدند. خود رهبری کومه له باز هم علت اخراج آنها را ناسیونالیست بودن آن جمع دانسته است. از درون جدا شدگان از کومه له چند جمع و گروه دیگر از همین قماش از همدیگر فاصله گرفته اند.

حالا هلمت و هر کس دیگری که ادعا میکنند ما گرایش ناسیونالیستی درون کومه له را "کشف" کردیم که گویا چنین گرایشی نبوده و واقعیت نداشته است، لطفاً بگویند بعد از ما چه کسی ناسیونالیستهای درویشان را "کشف" کرد؟ مگر خود رهبری کومه له نمیگوید که سازمان زحمتکشان و روند سوسیالیستی و حزب کومه له و... جریانهای ناسیونالیست درون کومه له بودند و به همین دلیل جدا و یا اخراج شده اند؟ این تناقض را رهبری کومه له چگونه میخواهد توضیح بدهد.

بالاخره سیاست ما درست بود که گفتیم گرایش ناسیونالیستی درون کومه له مشروعیت ندارد و باید مورد نقد کمونیستی قرار گیرد یا سیاست شما که در کنار کسانی قرار گرفتید که بعداً آنها را ناسیونالیست معرفی کردید؟ در این موارد چه پاسخی میتوانی داشته باشید؟ پاسخ هلمت باز هم انکار حقیقت وجودی گرایش ناسیونالیستی در درون کومه له است. صمیمانه بگویم این دور تسلسل انکار و بعد از چند سال قبول آن، کمکی به شما نخواهد کرد. این سیاست پراگماتیستی همزیستی و قهر با ناسیونالیسم کرد همانند زندگی مشترک زوجی است که از یک طرف هم یکدیگر را دوست دارند و نمیتوانند طلاق بگیرند هم به دلایل خاصی با همدیگر چفت نیستند. این سیاست و این زندگی آینده ای ندارد تا کنون بارها نادرست بودن خودش را اثبات کرده است.

هلمت احمدیان برای توجیه سیاست این دوره حزبی باز هم به تاریخ مباحث حزب کمونیست ایران رجوع کرده است و خواسته است با استفاده از گفته ها و نوشته های منصور حکمت در آن دوره مشروعیت برای سیاست امروزشان کسب کند. این در حالی است که هم دوره هیئت نمایندگی سال ۵۸ و هم دهه شصت که نقل قول نادقیق از منصور حکمت آورده شده است

آسمان تا زمین با دوره ما متفاوت است. زیرا نه تعادل نیروها و مناسبات دولتها و نه حتی مناسبات قدرتهای جهانی شباهتی به امروز نداشت. اما با این حال در آن دوره منصور حکمت به رهبری کومه له گفت برای جلوگیری از این توهم و سیاست نادرست که مرتب کسانی بخواهند خودمختاری را رادیکال کنند لازم است طرحی مشترک با حزب دمکرات در مورد چگونگی رفع ستم ملی تدوین شود و کومه له تمرکزش را بر وظایف کمونیستی اش بگذارد. زیرا مبارزه برای رفع ستم ملی یک تاکتیک کمونیستهاست نه هویت آنها.

هلمت نوشته است: "محض یاد آوری به منتقدین حزب کمونیست ایران که در صفوف جریانهای هوادار منصور حکمت فعالیت می کنند، در رابطه با مسائل مربوط به جنبش عمومی و جنبش رفع ستم ملی، تا وقتی که زنده یاد منصور حکمت در رهبری حزب کمونیست ایران قرار داشت و تا وقتی که هنوز مسیر سیاسی خود را تغییر نداده بود، از مدافعین سرسخت این سیاست بود. بارها و در نوشته های مستندی، رهبری کومه له را به خاطر "موقع شناسی در بکارگیری تاکتیکهای سیاسی درست"، ستایش می کرد. و همواره بر "ضرورت تحکیم موقعیت کومه له در جنبش رفع ستم ملی"، تاکید می کرد. کمتر از یک سال قبل از انشعاب از حزب کمونیست و در حالیکه تازه جنگ دموکرات و کومه له پایان یافته بود، به رهبری کومه له توصیه می کرد که به فکر تدوین یک برنامه مشترک خودمختاری با حزب دموکرات باشد."

منصور حکمت در همان دوره جنگ دمکرات علیه کومه له دیدگاه و سیاست مهمتدی را نقد کرد که مدعی بود جنگ حزب دمکرات با کومه له جنگ بر سر رهبری جنبش کردستان و حاکمیت در کردستان است. منصور حکمت

همان دوره تاکید کرد که ما دو جناح جنبش ملی کرد نیستیم که بر سر رهبری آن با هم جنگ و جدال بکنیم. بلکه در کردستان دو جنبش سوسیالیستی و ناسیونالیستی وجود دارد و ما حزب جنبش سوسیالیستی هستیم. حزب دمکرات یک حزب بورژوا ناسیونالیست است. چیزی که کومه له امروز از گفتن آن سرباز میزند و حتی خبثات را حزب سیاسی کردستانی همپیمان خود میداند. هلمت احمدیان این همکاری را آنقدر ایده آلیزه کرده است که گویا کومه له پایگاه اجتماعیش را مدیون این نوع سیاست و همکاری با جریانهای ناسیونال اسلامی است. در حالیکه تمام بنیادهای فکری آن دوره حزب کمونیست ایران بر این فرض شکل گرفته بود که قدرت و نفوذ جنبش کارگری و سوسیالیستی در کردستان زمینه و بستر قدرت اجتماعی کمونیستهاست. کومه له با اتکا به این جنبش بالنده اجتماعی توانست در مقابل مفتی زاده و سپاه زرکاری و شیوخ منطقه بایستد و نیرو بگیرد. اما انگار امروز کل این فرضیه ها فراموش شده است و فاکتورهای دیگری که خبثات را و سازمان زحمتکشان و احزاب دمکرات کردستان را نیروهای اجتماعی و فعال در کردستان میدانند و احزاب کمونیست را غیر اجتماعی و کم تاثیر. چپی که امید خودش را به همکاری با سازمان زحمتکشان و خبثات گره زده باشد و علیه کمونیستها بنویسد، آنطور که هلمت به آن همت ورزیده است معلوم است جهان بینی و افق خود را از جنبش دیگری میگیرد. وقتی سازمان خبثات اجتماعی میشود و سازمان زحمتکشان احزاب سیاسی موثر معرفی میشوند بقول هلمت احمدیان معلوم است که "جریانهای هوادار منصور حکمت" بعلاوه نیروها و افراد چپ جایگاهی نزد این تفکر نباید داشته باشند و کم سیاسی و منزله طلب محسوب شوند.

۹ مه ۲۰۱۷



«کودار» در صف ثبت نام مضحکه انتخابات!



نسان نودینیان

سیاست جامعه دموکراتیک و آزاد شرق کوردستان- کودار برای گرم کردن مضحکه انتخابات در کردستان را نباید بی جواب گذاشت. کودار با «طرح جامع مطالبات» خطاب به کاندیداهای ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا، در جبهه رای دهندگان و تایید مضحکه انتخابات ثبت نام کرد!

کودار در سال ۹۳ اعلام موجودیت کرده است. در اولین بیانیه اعلام موجودیتش خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی است. شیوه تشکیل این تشکل، سیاستها و رابطه کودار با پژاک و پ. کا. کا و جمهوری اسلامی... در حوصله این نوشته نیست، مساله مهم این نوشته مضحکه انتخابات و ثبت نام کودار در صف رای دهندگان است.

چرا «کودار» در صف ثبت نام مضحکه انتخابات ایستاده است؟! کودار نوشته است: «طرح جامع مطالبات، جهت ارزیابی عمل و نظر سیاسی کسانی است که دغدغه‌های سیاسی، فرهنگی و حقوقی جامعه را دستمایه حضور خویش در چرخه انتخابات قرار می‌دهند. بر این مبنا، موضع نهایی خویش را در قبایل انتخابات مزبور بر پایه‌ی واکنشی می‌دانیم که جریانات سیاسی و کاندیداهای شرکت کننده در پروسه انتخابات به مفاد زیر نشان خواهند داد». «مفاد پیشنهادهی کودار در سایت این سازمان قابل درستر است».

کودار خاک در چشم مردم کردستان می‌پاشد. و بخودش هم فریبکارانه برخورد میکند. او خیال اینکه میتواند با تعدادی از کاندیداهای ریاست جمهوری (روحانی؟ رئیس‌ی؟ ...) و کاندیداهای شوراهای اسلامی شهر و روستا به راه صلح و آشتی با جمهوری اسلامی برسد مفاد مورد نظرش را اعلام کرده است.

ما در نزدیک به ۴ دهه بقدرت رسیدن حاکمیت خودگمارده حکومت اسلامی شاهد انتخابات آزاد نبوده ایم. ما شاهد انتخاباتی که پلانفرم و مفاد احزاب بتوانند نقشی داشته باشند را تجربه نکرده ایم. کودار اگر میتواند یک نمونه فقط یک نمونه از تعهد و عملی کردن یک خواست و یک سطر از پلانفرمی که خود این سازمان بارها با جمهوری اسلامی برای صلح و آشتی مطرح کرده است را بعنوان نمونه منتشر کند. به همین دلیل «طرح مطالبات جامع کودار» خاک پاشیدن در چشم مردم و برخورد فریبکارانه بخودش و اعضای صفوفش است.

کودار بازار مضحکه انتخابات را گرم میکند! کودار آگاه بر این است و میدانند: حاکمیت خود گمارده و خونین جمهوری اسلامی بر پایه - جمهوری اسلامی آری یا نه - به مردم در ایران تحمیل شد. این نظام ظرفیت هیچگونه نقشه راه حتی از جنس خودی مطالباتی که او طرح کرده است را ندارد.

انتخابات آزادی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در کار نیست، مردم نمیتوانند آزادانه انتخاب خودشان را بکنند. سازمان احزاب مخالف نمیتوانند پلانفرم خودشان را ارائه دهند. مردم نمیتوانند انتخاب خودشان را بکنند. مردم نمیتوانند به احزاب مورد قبول خودشان رای بدهند. احزاب مخالف جمهوری اسلامی، احزابی که مردم از آنها طرفداری میکنند و خواهان عملی کردن و پیاده کردن برنامه هایشان هستند، ممنوعه هستند!

انتخابات آزاد به این معنی که مردم در جامعه آزادی بیان، آزادی حرف زدن و اعتراض و مخالفت و آزادی متشکل شدن داشته باشند وجود ندارد. در این نظام فاشیستی - اسلامی مردم نمیتوانند آزادانه به احزاب بپیوندند و تحت تعقیب قرار نگیرند، عضویت در احزاب سیاسی و مخالف دستگیری و اعدام است. در نظام جمهوری اسلامی

هیچکدام از این فاکتورها وجود ندارد به جرم دفاع از آزادی بیان و دفاع از حق تشکل دفاع از طرفداری از احزاب سیاسی مردم دسته دسته اعدام شده اند، دستگیر و در زندانها هستند.

و در حکومت اسلامی نصف جامعه زنان حق کانديد شدن ندارند.

اقلیت های مذهبی، آتئیستها هم حق کانديد شدن ندارند.

در عوض، یک تعداد از جنایتکارترین افراد این حکومت از (خاتمی، رفسنجانی، احمدی نژاد، روحانی، رئیسی، قالیباف، محسن رضایی ...) از فیلتر شورای نگهبان زیر نظر خامنه ای به مردم تحمیل میشوند. در این سناریو فرجه ای و فضایی برای به اصطلاح واکنش به طرح و مطالباتی وجود ندارد.

طرح و بیانیه «کودار» گامی است در تایید و گرم کردن به اصطلاح انتخاباتی که یک مضحکه است.

مردم در کردستان مضحکه انتخابات حکومت اسلامی را برسمیت نشناخته اند. در مضحکه انتخابات شرکت نکرده اند.

مردم در کردستان راه سازش، صلح و آشتی کودار و حزب دمکرات کردستان را تجربه کرده اند، مردم آگاهانه و هوشیارانه پروسه سازش و سات و سودا این احزاب ناسیونالیستی را بحساب کارنامه آنها ثبت کرده اند. کودار و هر حزب ناسیونالیستی که بخواهد خاک بچشم مردم بپاشند و با ترغیب طرح مطالبات جامع بازار مضحکه انتخابات حکومت اسلامی را گرم کنند، توسط مردم کردستان منزوی و طرد میشوند.

مردم در کردستان از حکومت اسلامی از میلیتاریزم و حضور این نظام ناراضی و متنفر هستند.

مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و در مضحکه انتخابات این رژیم شرکت نمیکنند.

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶

۷ می ۲۰۱۷

روحانی با انتقاد از اعدام و تفکیک جنسیتی به رقبای خود تاخت!!!!



رحیم یزدانپرست

یا شاید خبر بیش ۶۰۰ فقره اعدامی فقط در سال گذشته را ندارد. خبر از این همه دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری و مدنی و مخالف سیاسی حکومتش ندارد. خبر از بی حقوقی مطلق زنان آن جامعه ندارد. خبر از این ندارد که تعداد زیادی زن و دختر جوان که فقط بجرم اینکه میخواستند مسابقات فوتبال را تماشا کنند در سیاه چالهای حکومتش برمیگردند.

آیا نباید فقط و فقط بجرم این همه شیبادی، دروغ گفتن و دو روئی این حکومت را بزیر کشید و کل این دارو دست اوباشان را با مضحکه انتخاباتش به زباله دان تاریخ فرستاد.

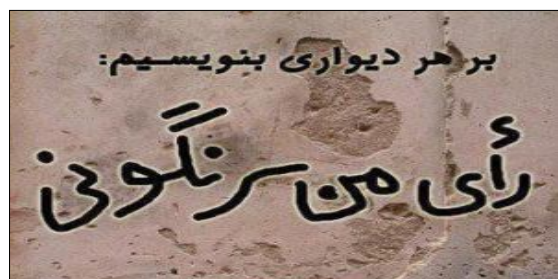
۸ می ۲۰۱۷

از صفحه ۱ انتخاب و رای مردم ...

دریافت یکسال و نیم دستمزدهای معوقه شان اتومبیل کلیددار اعدام و تباهی این نظام را مورد تعرض قرار دادند، مردم نیز میتوانند با همان خشم و تنفرشان از کارنامه سی و هشت ساله این حکومت بساط مضحکه انتخاباتی و صندوقهایشان را هم برچینند. انتخاب و رای مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۱۹ اردیبهشت ۹۶

۹ مه ۲۰۱۷



زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!



نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستان

خودکشی بر اثر فقر معیشتی!

استقبال از مرگ نادر است. هیچ انسانی به استقبال مرگ نمی‌رود. خودکشی، دزدی و تن فروشی، اعتیاد و کارتن خوابی، کودک خیابانی انتخاب انسان نیست. این ها مصائب جامعه سرمایه داری و حاکمیت در قدرت اسلام سیاسی است.

بر اثر فقر معیشتی "کریم جمشیدی" ۶۰ ساله با حلق آویز کردن خودش خودکشی کرده است.

در حکومت اسلامی سرمایه فقر و نابرابری اقتصادی بیداد میکند. بیکاری و عدم تامین معیشت بر زندگی مردم سایه انداخته است. حکومت اسلامی سرمایه، مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. این نظام جمایتکار را باید سرنگون کرد. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند.

پایان دادن به خودکشی، و رسیدن به دنیایی آزاد و انسانی و سوسیالیستی تلاش کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استثمار است.

صدیق کبودوند
باید فوراً آزاد شود.

دستگیری صدیق کبودوند و مقاومت حکومت اسلامی برای آزادی او ادامه سیاست های امنیتی کردن فعالیت فعالین کارگری، معلمان و مدنی است. حکم ده ساله صدیق کبودوند تمام شده. صدیق کبودوند باید فوراً آزاد شود.

کارگر کولبر

کارگر کولبر "تورالدین ابراهیمی" اهل روستای "آلکاو" بر اثر شلیک

هزار تا ۴۵۰ هزار تومان تجاوز نمی کند. این وضعیت باعث شده که بعضی از کارگران که نیاز مالی بیشتری دارند، در طول ماه، چند روزی را به صورت دو شیفت کار کنند.

اعتصاب کارگران پیمانانی کارخانه زمزم کرمانشاه با خواست پرداخت حداقل دستمزد اعلام شده از طرف دولت و قانون کار و اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه ۴ ماه گذشته و ندادن عیدی سالیانه انجام گرفت. و البته اعتراضی به پیمانکار بود که در جواب خواست کارگران معترض، گفته بود که "شماها همین اندازه کار کردین، پول گرفتین!" یعنی در طی این ۴ ماه یک میلیون الی یک میلیون و دویست هزار تومان! به عبارتی ۴ ماه برابر یک ماه پایه حقوق!

تجمع کارگران زمزم که از ساعات اولیه صبح آغاز شد، بر تمامی خط های تولید شرکت که شامل ۳ خط تولید نوشابه جهت بازار داخلی و صادرات می باشد، تاثیر گذاشت و همه خطوط تعطیل شدند و از کار افتادند. در همان ساعات اول صبح مدیران و مسئولان شرکت با پیمانکار مربوطه در محل تجمع حاضر شدند و با حضور شورای اسلامی کار زمزم، مسئولان شرکت شروع به تهدید اخراج و ایجاد رعب و وحشت و ترس کردند. به کارگران گفتند که "این کار اغتشاش و کارشکنی است و سیاسی محسوب می شود و در این شرایط نباید چنین کاری بکنید، در میان کارگران کسانی هستند که شماره تهیج می کنند، آنها دوست تان نیستند اینها اخلاص گزند، ... ما امروز از تهران بازدید کننده داریم، چرا این روز را انتخاب کردین؟ آقای (نیری) پیمانکار، اگر نمی توانید کار را اداره کنید، جمع کنید بروید!" اما کارگران به این صحبت ها توجهی نکردند و گفتند "تا خواسته ای ما که بسیار هم ناچیز می باشد، یعنی همان حداقل حقوق اعلام شده با موارد درج شده در قانون کار و مطالبات معوقه ۴ ماه گذشته پرداخت نشود و جواب نگیریم، کار را شروع نخواهیم کرد."

این اعتصاب که با هماهنگی و همفکری و برنامه ریزی و در شرایط معین تصمیم گیری شده بودو با استقبال و حمایت و دل گرمی

کارگران قرار داد دائم و رسمی شرکت زمزم روبرو شده بود، باعث جسارت و روحیه قوی کارگران پیمانکار شده و مصرانه بر محقق شدن خواسته های خود ایستادگی کردند.

از سوی دیگر دو نفر از اداره کار کرمانشاه هم که توسط شورای اسلامی کار زمزم، در جریان گذاشته شده بودند به محل تجمع کارگران آمدند. آنها هم با صحبت های از قبیل "کار شماها غیرقانونی می باشد اعتصاب یعنی چه؟ شما باید به ما اطلاع می دادید، ما بررسی می کردیم و...". کارگران معترض از اینکه اداره کار به شرکت آمده بود، جسورتر شده و در جواب مامورین اداره کار با صدای بلند و رسا تمامی مشکلاتی که در این چند سال توسط شرکت و پیمانکاران پیش آمده بود را تشریح کرده و برخاسته خود پافشاری کردند.

بالاخره با مداخله اداره کار کرمانشاه، مدیریت شرکت زمزم، پیمانکار مربوطه موظف شد که از این تاریخ، طبق قانون کار سال ۹۶ این بخش از کارگران پیمانکاری را بر پایه حقوق ۹۳۰ هزار تومان و تمام موارد درج شده در قانون کار پرداخت نمایند. این موارد را در یک صورتجلسه تنظیم شده و به امضا نمایندگان شرکت زمزم و پیمانکار و شورا اسلامی رسید.

به این ترتیب کارگران پیمانکاری کارخانه نوشابه سازی زمزم کرمانشاه، بعد از ۵ ساعت اعتصاب به موقع به خواسته های خود رسیدند و با خوشحالی از نتیجه ای که از این همدلی و اتحاد گرفته بودند، به سر کار بازگشتند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶

تقدیریم به آن معدنیان گرفتار
در هزار پایی زیر زمین!!!

سهم آنها از ثروت معدن، مرگ بود
اشک بود
درد بود...

زمان زیادی نگذشته از روزت، کارگر
تو در هزار پایی زیر زمین با چهره سوخته ات، چنان دل زمین را به شوق نانی و آبی حلال برای فرزندان می شکافید، اما در آن سوات کشیده ها در هزاز پای آسمان سوار بر هواپیمایی

اختصاصی می چرخند، تا بهانه ای برای مرگ پیدا کنند، چه بهانه ای بهتر از این "خطاهای انسانی" ادیبانی که سالهای سال است مرگ انسانها را توجیه می کند، ای کاش روزی کارگران مقصر در مرگ خویش نبودند و مدیران ما شجاعانه می پذیرفتند که گاهی هم "خطاهای مدیران" در این سوانح وجود دارد، اما بگذار شما بمیرید تا اینان هم سرگرم بازیهای سیاسی و جنگ بر سر قدرت باشند، بگذار کودکان شما یتیم شوند، تا کودکان اینان در اروپا شهرسازی را گردش نمایند، بگذار همسران شما از نبود تان محروم شوند، تا همسران اینان در ناز و نعمت باشند، خلاصه تو خواهی مرد و اینان زندگی خواهند کرد، تو با چهره سوخته ات "به دیدار خدا می روی"، ولی اینان هر روزی چهره اشان هزاران بار گرم کرده تا بتوانند اعتماد من و شما را به دست آورند و بر میز قدرت جلوس کنند.

تو مرگ را به آغوش کشیدید، تا خودت هم در مرگ خویش مقصر شوید، تو به مرگ سلام کردید تا حسرت بی پدر شدن تا به روز قیامت فرزندان را آزار دهد، تو مرگ را دعوت کردید، تا این داغ بر دل پدر و مادرت بماند، اما بگذار مرگ فقط میهمان شماها شود، زیرا که این بازیگران سیاسی "گویا با دادن چک سفید نزد خدا" برای خویش زندگی خریده اند، تو در هزاران پای زمین نفست گرفت، همچنان که بی مبالائی تعدادی از مدیران در روی زمین نفست را گرفته بود، چند صباخی بسیار کوتاه نامت هست و بعد از آن برای همیشه دیگر کسی سراغت را نخواهد گرفت، پس بخواب آرام زیر خاک چون به زندگی کردن در زیر خاک عادت کرده اید.

تسلیم به تمامی کارگران
یک کارگر ساختمانی از میروان

پاسخ کارگران معدن به
رئیس جمهور رژیم اسلامی،

یک کارگر معدن میگوید: آقای رئیس جمهور شما اصلا میدانید معدن و کارگری در معدن یعنی چی؟ شما میتوانید با یک میلیون تومان زندگی کنید که به ما حقوق ماهانه یک میلیون میدید؟ اینجا ۴۰ نفر کارگر معدن مردن و تعدادی از جنازه ها در معدن هستند و بو گرفتن و معلوم نیست کی از زیر آوار خارج میشوند و....

حسن روحانی این مزدور جنایتکار میخواست از قبل خون کارگران معدن کمپین مضحکه انتنخاباتیش را گرم کند. روحانی بعد از سخنرانی در پادگان آزاد شهر به



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

روایت خوشی نوعروس هفده ساله

رو ۱۸ اردیبهشت بیمارستان مریوان شاهد عروس نوجوانی بود که با خوردن قرص قصد داشت به زندگی خود پایان دهد. لازم به ذکر است که او زیر ۱۸ سال سن دارد و با اجبار وادار به ازدواج شده بود. هر دختری سزاوار داشتن و سپری کردن دوران کودکی، نوجوانی و داشتن فرصتی برای آینده ای روشن است.

بازداشت سارا گمانگر در سندج به اتهام فعالیت در فضای مجازی

یک دختر جوان ساکن سندج، به اتهام انتشار مطالب سیاسی در شبکه های اجتماعی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج منتقل شد. شنیده ها حاکی از آن است که سارا فعال در فضای مجازی جهت بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج انتقال یافته است. با استناد به تازه ترین گزارش آماری برای سال گذشته، ۵۶۴ نفر از شهروندان در غرب کشور بنابه فعالیت سیاسی، مدنی، و بلاگنویسی و زیست محیطی بازداشت شده که برای ۱۱۹ نفر حکم زندان صادر گردیده است.

خودکشی دختر دانشجوی ۲۰ساله از پشت بام خوابگاه

پیش از ظهر روز ۱۴ اردیبهشت ۹۶ یک دانشجوی دختر اهل بوشهر ۲۰ساله از پشت بام ساختمان خوابگاه دخترانه کوثر وابسته به دانشگاه خلیج فارس اقدام به خودکشی کرد. وی که دانشجویی این دانشگاه بود، بعد از این حادثه به بیمارستان سلمان فارسی منتقل شد. زهرا یوسفی مدیر روابط عمومی اورژانس بوشهر گفت: "بر اثر وارد شدن ضربه به سر سطح هوشیاری مصدوم پایین ولی علائم حیاتی وی نرمال است."

**انتقال مهرناز حقیقی به بند
زنان اوین پس از ۷۰ روز بازداشت**
مهرناز حقیقی، کنشگر مدنی و

ایران، مهسا رجعتی و مهرک کریم پورعندلیبی، علیرغم اتمام دوران بازجویی ها و تعیین قرار وثیقه، در بند ۲۴۱ (بند حفاظت اطلاعات قوه قضاییه) محبوس اند و دستگاه های قضایی و امنیتی از آزادی آنان جلوگیری می کنند.

**پنجاه و پنج زن و مرد حاضر در
یک مهمانی خصوصی دستگیر شدند**
داستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان از بازداشت ۵۵ زن و مرد شرکت کننده در یک مهمانی شبانه مختلط در این شهر خبر داد. این مقام قضایی گفت علاوه بر بازداشت شهروندان تعداد ۱۹ دستگاه خودروی لوکس و دو افراد نیز توقیف شده است.

جایزه گزارشگران بدون مرز سوئدین به خبرنگار افغانستان اهدا شد

گزارشگران بدون مرز در سوئدین، روز یکشنبه ۷ می ۲۰۱۷، جایزه آزادی مطبوعات را به نجیبه ایوبی خبرنگار افغانستان اهدا کرد. در نشست "استکهلم" یاناتان لوندکوئیست" رئیس نهاد گزارشگران بدون مرز سوئدین گفته است که جایزه سال ۲۰۱۷ این نهاد را به نجیبه ایوبی خبرنگار زن در افغانستان که با وجود تهدیدات در این کشور فعالیت دارد اهدا شده است.

رئیس نهاد گزارشگران بدون مرز گفته است که نجیبه ایوبی با وجود اینکه در افغانستان جنگ و درگیری و تهدیدات وجود دارد، کار موثری را در عرصه خبر رسانی انجام داده است، وی گفته است که امید است با این جایزه بتوانیم توجه عمومی را به وضعیت رسانهای افغانستان جلب کنیم.

نجیبه ایوبی رئیس گروه رسانهای "کلید گروپ" است که شامل گروهی از رسانهای چاپی، رادیویی در کابل می باشد، وی در سال ۲۰۱۳ نیز جایزه روزنامه نگار شجاع زن را از سوی بنیاد بین المللی رسانهای زنان دریافت کرده بود.

**رئیس جمهور نیجریه
از آزادی ۸۲ دختر
بروده شده این کشور خبر داد**
۱۷ اردیبهشت ۹۶ رئیس جمهور نیجریه از آزادی ۸۲ دختر بروده شده این کشور خبر داد. این دختران سال ۲۰۱۴ توسط گروه بنیادگرایی

نگاه هفته...

از صفحه ۴

محل انفجار معدن یورت رفت و میخواست سخنرانی بکنند. او مثل وزیر کار، وزیر صنایع و معادن و همچنین وزیر رفاه به کارگران وعده های پوچ داد. در حالی که هنوز ۱۳ کارگر در زیر آوار معدن هستند. این سخنان با اعتراض کارگران و مردم حاضر در محل روبرو شد. درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی پیش آمد. که چند کارگر نیز زخمی شدند.

مسعود شیرمحمدی کارگر ساختمانی دچار حادثه شد.

مسعود شیرمحمدی اهل روستای پایگلان روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ در محل کار دچار حادثه شد. به نقل از انجمن کارگران ساختمانی مریوان مطلع شدیم مسعود شیرمحمدی جانبخته است. ضمن ابراز تأسف فراوان به خانواده و بازماندگان مسعود شیرمحمدی تسلیت میگویم، ما را در غم خود شریک بدانند. متأسفانه محیط کار کارگران تحت حاکمیت سیاه حکومت هار اسلامی به قتلگهان تبدیل شده است. یادش گرامی باد!

سقوط کارگر ساختمانی در مریوان
**سقوط کارگر ساختمانی
منصور خدامرادی (سنگ کاد) در
خیابان جمهوری مریوان.**
منصور خدامرادی که دچار شکستگی پا و دست شده است اکنون در بیمارستان بوعلی مریوان تحت معالجه میباشد. محیط کار کارگران ایران به قتلگاه

خود کرد. این تصمیم موجی از انتقادات را در داخل و خارج کشور به همراه داشت تا جایی که دیوان عالی ونزوئلا ناگزیر از تصمیم خود عقبنشینی کرد.

ونزوئلا اخیراً با افت شدید قیمت نفت هم روبه روست؛ آنچه بحران اقتصادی دولت را تشدید کرده است. شرایط نامساعد اقتصادی است که آتش خشم معترضان را نسبت به نحوه اداره کشور شعله ورتر کرده و کمتر روزی را می توان دید که فروشگاهها هدف غارت قرار نگیرند. مخالفان، دولت را مسئول رکود اقتصادی و سرکوب حقوق دموکراتیک می دانند.

شهروندان ونزوئلایی از کمبود غذا و دارو رنج می برند. نرخ تورم در این کشور یکی از بالاترین ارقام جهانی را به خود اختصاص داده است. واقعیتها نشان می دهد طرحهای مادورو قادر نخواهد بود خشم مردم را فرو بنشانند و این وضعیت در حال بحرانی تر شدن است.

بوکوحرام ربوده شدند و اکنون با اعضای زندانی این گروه مبادله شدند. رئیس جمهور نیجریه از دولت سوئیس به خاطر تلاش برای آزادی دختران ربوده شده قدردانی کرد.

زنان در خط مقدم تظاهرات ونزوئلا

اعتراضات سراسری ونزوئلا علیه مادورو رئیس جمهور این کشور همچنان ادامه دارد. پیشتازی در این اعتراضات در شهرهای مختلف از جمله در کاراکاس با زنان است. در این رشته اعتراضات سراسری تاکنون حداقل ۳۷ نفر کشته شده اند، همچنین بیش از ۷۰۰ تن زخمی و دست کم ۱۵۰ نفر دستگیر شده اند. این اعتراضات یک هفته پس از آن که مادورو ایجاد "یک مجلس مردمی" را طرح کرد شدت گرفت. اپوزیسیون این طرح را دور زدن پارلمان ونزوئلا که در آن اکثریت با مخالفان است می دانند. بحران شدید اقتصادی در این کشور یکی از معضلاتی است که زنان ونزوئلایی علیه آن به اعتراض برخاستند.

اعتراض زنان ونزوئلا علل بحران

تنشها در ونزوئلا پس از آن بالا گرفت که دیوان عالی کشور در ۲۹ مارس با سلب اختیار از پارلمان، حق تصویب یا تغییر قوانین را از آن



علیه تبعیض

ضرورت این ائتلاف و همکاری از کجا میگیرد؟

عبدل گلپاریان

بعد از صدور بی‌بیانه ای با امضای شش حزب و سازمان اپوزیسیون کرد مستقر در کردستان عراق برای تحریم نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی، دوستان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له سئوالاتی را در توجیه شرکت کومه له در این جمع در مقابل منتقدین قرار دادند که محوری ترین آنها عبارتند از:

برای خمینی و دولت موقتش بشکست کشاندن مذاکرات و عقب راندن طرح خواستها و مطالبات مردم کردستان که همانا تحقق خواستهای انقلاب بود مهم بود. توازن قوای آندوران بگونه ای بود که در مقاطع مختلف خمینی و نمایندگانش عقب نشینیهایی را پذیرفتند. تشکیل شورای شهر سنج، خروج موقت پاسداران از شهر و پذیرش مذاکره با نمایندگان مردم بخشی از این عقب نشینی ها بودند. تمامی این وقایع و اتفاقات بر بستر شرایط انقلابی آن دوران موضوعیت داشتند.

علاوه بر اینها و از سوی دیگر، کومه له در آن ایام با خواست و پشتوانه مردم قاطعانه در مقابل جریان دینی و مرتجع مکتب قرآن ایستاد و آنرا سر جای خود نشاند. (اینجا از نقش حزب دمکرات کردستان ایران که به خمینی خوش آمد میگفت و بتهنهایی سرگرم مذاکره با نمایندگان خمینی و برای کسب موقعیت خود چوب لای چرخ مبارزه مردم کردستان میگذاشت میگذرم).

اما پاسخ کوبنده کومه له در آن مقطع به جریان مرتجع مکتب قرآن و خلع سلاح سپاه عقب مانده رزگاری از یک سو و از سوی دیگر مذاکره با دولت موقت بعنوان عضوی از "هیئت نمایندگی خلق کرد" نه الزاما از سر اتخاذ تاکتیک و یا سیاست معینی از سوی کومه له بلکه از سر دخالت و قرار گرفتن یک نیروی جدی سیاسی در مقابل جمهوری اسلامی بر بستر شرایط انقلابی آندوران قابل توضیح است. بنابراین اوضاع و شرایط انقلابی، حضور گسترده توده های مردم در صحنه مبارزه در مقابل جریان خمینی و دولت موقتش این امر را ضروری ساخته بود و به این اعتبار قابل دفاع بود. طرفداران ائتلاف اخیر شش سازمان، به شرایط آندوران و اینکه چه عوامل بنیادی و

آن قرار بود اپوزیسیون کرد مخالف جمهوری اسلامی مناطق اردوگاهی خود را ترك كنند. این فرمان در پارلمان عراق و با تلاش جریان مالکی و دیگر هم پیمانان جمهوری اسلامی در پارلمان عراق به میان کشیده شد و همان وقت این طرح از سوی احزاب و جریانات سیاسی محکوم گردید.

دوم اینکه همزمان و در تقابل با تصویب این لایحه نهدی وابسته به بارزانی، احزاب و سازمانهای کرد اپوزیسیون جمهوری اسلامی را بدور از رسانه ها دور هم جمع کرد که بتوانند این سازمانها را در یک همسویی مقابل اقدامات جمهوری اسلامی بخطر کنند. تلاش بارزانی بعنوان نیرویی که در صف بندیهای منطقه ای در جبهه عربستان و آمریکا ی بعد از سر کار آمدن ترامپ صورت میگیرد، در همین راستا است.

اگر کومه له در توجیه این نوع مشارکتها چنین "دخالت فعالی" را برای خود یک وظیفه میداند، ناظران وقایع و تحولات سیاسی در بیرون از کومه له نیز چنین وظیفه ای را بدرست در چهارچوب تحولات سیاسی در منطقه و قرار گرفتن کومه له در قطب یکی از این صف بندیها بررسی و ارزیابی میکنند.

میگویند: "آیا دیالوگ با احزاب و سازمانهای ناسیونالیست ایراد دارد؟" خیر نه تنها ایراد ندارد بلکه میشود و میتوان با هر نیروی قومی، ناسیونالیست و حتی دینی، برای افشا و برملا کردن افق و سیاستهایشان در میان مردم با آنان وارد دیالوگ هم شد. دیالوگ و نشان دادن طرحهای ارتجاعی و سناریو سیاهی این نیروها اتفاقا امریک جریانی جدی، سیاسی و مسئول است. قرار گرفتن کومه له در گردونه

پایه ای "هیئت نمایندگی خلق کرد" را ضروری ساخت ابتدا توجه نمیکند و یا آگاهانه نمی خواهند توجه کنند. در این مورد میشود بیشتر گفت و نوشت اما همینقدر به این جنبه از ضرورت وجودی تشکیل "هیئت نمایندگی خلق کرد" اکتفا میکنم. شهرهای کردستان و مبارزه مردم کردستان بعنوان آخرین سنگر انقلاب ۵۷ چنین هیئتی را ضروری ساخته بود نه ائتلافی دلخواهی از بالای سر مردم بر سر مصالح روز یعنی همان سیاست و عملکردی که حزب دمکرات بتهنهایی از بالای سر مردم با جریان خمینی پیش میبرد.

ضرورت تشکیل "ائتلاف شش حزب و سازمان اپوزیسیون کرد"

اما ائتلاف و یا امضای بی‌بیانه اخیر توسط شش سازمان اپوزیسیون کرد که نزدیک به چهار دهه با مقطع انقلاب ۵۷ از آن فاصله داریم، نه در دوره ای انقلابی و با حضور گسترده توده های مردم بلکه در شرایطی صورت میگیرد که این نوع تقلاها دارد از بالای سر مردم و بر بستر تحولات سیاسی در منطقه صورت میگیرد. بنابر این چنین تلاشی در این دوره بر بستر تحولات در منطقه قابل بررسی و ارزیابی است. قطعنامه کنگره ۱۵ کومه له که بعضا نکات قابل تاملی، (از شرایط و اوضاع مبارزه طبقاتی و جایگاه نیروهای اجتماعی و نقش مردم را) در بر میگیرد، با این نوع ائتلافها و از بالای سر مردم در تناقض قرار دارد. نمیشود بنام مبارزه کارگران کردستان و نیروهای اجتماعی ضد جمهوری اسلامی در جامعه سخن گفت اما به جریانات قومی، ناسیونالیست و دینی دخیل بست.

در ماه فوریه ۲۰۱۷ دو واقعه که بستر اصلی همسویی شش جریان مستقر در کردستان عراق را ضروری ساخت رخ داد. یک تصویب فرمانی از سوی پارلمان عراق که بر مبنای

پنج سازمان سیاسی نه ربطی به "هیئت نمایندگی خلق کرد" دارد، نه به "دیالوگ" و نه به "انجام وظایف خطیر". بلکه خواسته یا ناخواسته برای تحقق همکاری، ائتلاف و همسویی با این جریانات بر بستر معادلات سیاسی جدید منطقه ای قرار گرفته است. قرار گرفتن کومه له در کنار سازمان خبات در یک ائتلاف و دادن بی‌بیانه مشترک معنایی جز وارد شدن و به بازی گرفته شدن کومه له توسط جریانات شناخته شده و معلوم الحال نیست.

بنابراین ضرورت نزدیکی، همکاری و یا ائتلاف این جریانات و شرکت کومه له در آن ابتدا نه ربطی به شرایط انقلاب ۵۷ دارد و نه قابل مقایسه با "هیئت نمایندگی خلق کرد" است. بلکه سر راست یعنی قرار گرفتن همه آنها در صف یکی از دو قطب جهانی و منطقه ای بر بستر تحولات سیاسی قابل توضیح هستند.

در خاتمه این را اشاره کنم که پرداختن به این مسئله و نقد از کومه له از نظر من به این خاطر است که چپ و کمونیسم این سازمان بیش از این در دامن ناسیونالیسم، جریانات فدرالچی و دینی در غلطد. کومه له با برسمیت شناختن سازمانهایی که خود آنان را برسمیت نمی شناخت و با بزرگ کردن یک جریان مرتجع دینی همچون خبات، نه تنها همان مفاد قطعنامه کنگره ۱۵ خود را نادیده میگیرد بلکه توهم آفرینی را در میان مردم دامن میزند. امیدوارم اگر هنوز بارقه ای از کمونیسم و سنتهای قدیمی تر کومه له در این سازمان وجود دارد، نسبت به این رویکرد واکنش جدی از خود نشان دهد.

۵ مه ۲۰۱۷

کمکهای مالی رسیده به کمیته کردستان

محمد نعمتی
شایسته طاهر خانی
حیدر گوئیلی
۱۰۰ یورو
۵۰ یورو
۵۰ یورو

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران تمام احزاب و نیروهای ارتجاعی درگیر در صحنه امروز کردستان عراق و اقبای ضد مردمی آنها را قویا محکوم میکند و بار دیگر بر همستگی خود با طبقه کارگر، کمونیسم کارگری و مبارزه مردم زحمتکش در کردستان عراق برای آزادی و برابری تاکید میکند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!